فصلنامه پژوهشنامه نسخه شناسی متون نظم و نثر فارسی
سال سوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۶-۱

معرفی و بررسی رسالهٔ عین المعانی فی شرح اسماء الربانی[1]

دکتر احمدرضا یلمه‌ها[2]
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان
مهدیه ولی محمدآبادی[3]
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان

چکیده
نسخ خطی باقی‌مانده از گذشتگان جزء مهمی از فرهنگ و تمدن محسوب می‌شود که لزوم توجه به آن به‌عنوان یکی از گنجینه‌های مواریث فرهنگی بسیار بااهمیت است. بر این اساس، یکی از شیوه‌های توجه به هویت و شناسنامهٔ وجودی جوامع، جمع‌آوری و تدوین نسخ خطی و برنامه‌ریزی دقیق برای شناسایی و معرفی این آثار است. با وجود تلاش‌های بسیاری که در سدهٔ اخیر برای معرفی و تصحیح گنجینهٔ غنی ادبیات منظوم و منثور فارسی به‌وسیلهٔ پژوهشگران و اندیشمندان صورت گرفته، چه بسا شاعران و نویسندگان توانمندی که هنوز آثارشان در پردهٔ خمول و گمنامی باقی مانده است و این آثار نفیس در گوشه‌کنار کتابخانه‌های مختلف در زاویهٔ نسیان و فراموشی است. رسالهٔ *عین‌المعانی فی شرح اسماء*

---

۱ تاریخ وصول: ۹۶/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۶

۲ ayalameha@dehaghan.ac.ir
۳ Vali.dadfar1391@gmail.com

ربانی عشقی شطاری، از آثار نفیس دورهٔ صفوی است که تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. لذا نگارندگان بر آن شدند تا در این مقاله، ضمن معرفی این اثر به بررسی محتوای آن نیز بپردازند.

واژه‌های کلیدی
نسخهٔ خطی، دورهٔ صفوی، شرح اسماء الله، *عین‌المعانی فی شرح اسماء ربانی*، عشقی شطاری، تصحیح.

مقدمه

ابوالبرکات یوسف بن رکن‌الدین بن معروف بن شهاب‌الدین معروفی شهابی جندی سندی هندی براری معروف به عشقی شطاری، از جمله عرفای صاحب‌قلمی است که در سال ۹۶۲ یا ۹۶۳ هجری قمری زاده شد. پس از درگذشت پدرش در سال ۹۸۱ هجری، به‌همراه خانواده‌اش به برهان‌پور مهاجرت کرد. وی از سال ۹۸۵ هجری سیروسلوک را آغاز کرد و از محضر صوفیان مختلف بهره برد تا آنکه از مریدان شاه لشکر محمد عارف بالله و خلیفهٔ او شد؛ و چون لباس‌های خود و پیرش را می‌شست به «گازر الهی» مشهور شد. وی ملقب به «عین العرفا» و مکنّی به «ابوالبرکه» بوده است. «آثار شیخ شطاری به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: *انسان کامل*، *انوار الاسرار*، *تتمیم (شرح مائهٔ عامل)*، *ترجمهٔ اسرار الوحی*، *حاشیه بر اشارهٔ غریبهٔ انسان کامل* از تصنیفات شیخ عبدالکریم جیلی، حاشیه بر *شرح ضیائیه* از تصنیفات عبدالرحمن جامی، *حواس پنجگانه*، *رسالهٔ دقایق* یا *دقیقه*، *رسالهٔ عقود*، *رسالهٔ عین‌المعانی فی شرح اسماء الربانی*، *روضهٔ الحسنی*، *شرح فارسی قصیدهٔ برده*، *فتح محمدی*؛ *قبلهٔ المذاهب الاربعهٔ مع اشارات اهل تصوف و مجمع البحرین*» (کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۹: ۲).

یکی از این آثار گمنام و ناآشنای عشقی شطاری، رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء*

الربانی است که در زمینهٔ عرفان نگارش یافته و در حقیقت، تحریر دیگری از *روضهٔ الحسنی فی شرح اسما الله الحسنی* وی است. نویسنده در رسالهٔ *عین المعانی*، نخست مقدمه‌ای حاوی مصطلحات عرفانی نگاشته و سپس هریک از اسمای مقدسهٔ حق‌تعالی را در عناوین معنی، معما، اشاره، مظاهر، زاهد، عاشق، عارف، موحد، اشغال، شرح و آداب را بیان کرده و به‌صورت مفصل، به شرح اسمای الهی و خصوصیات هریک از اسمای حق پرداخته است.

از آنجا که این اثر تاکنون چاپ نشده، این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی این اثر، به بررسی محتوایی آن نیز بپردازد.

۲. پیشینهٔ تحقیق

با وجود اینکه یک سده از احیا و تصحیح نسخ خطی می‌گذرد، هنوز تعداد زیادی از شعرا و نویسندگان و آثارشان در پردهٔ خمول و گمنامی باقی مانده است. عشقی شطاری از جمله نویسندگان عارفی است که متأسفانه تاکنون خود و آثارش در غبار نسیان و فراموشی مانده است. رسالهٔ عین *المعانی* وی که گنجینه‌ای گران‌سنگ از عرفان و معارف است، از دید اهل ادب و پژوهشگران به دور مانده است. فقط در تعداد محدودی از کتب و مقالات، نامی از عشقی شطاری و رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* ذکر شده است:

ـ محمد کریمی زنجانی اصل در مقاله‌ای با عنوان «انسان و جهان به روایت دقایق شاه عیسی شطاری» که در شمارهٔ ۱۵ مجلهٔ *آینهٔ میراث*، در دی ماه ۱۳۹۰ به طبع رسانده ، ضمن ارائهٔ تصویر روشنی از جهان‌بینی طریقت شطاری و جایگاه انسان در این جهان‌بینی، شرح مختصری دربارهٔ زندگی عشقی شطاری و جامعه‌ای که وی در آن بالیده، به دست داده است.

ـ احمد منزوی نیز در *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان* و *فهرست‌وارهٔ کتاب‌های فارسی*، از رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* عشقی شطاری یاد کرده است (منزوی، ۱۳۴۹: ۸۲۱).

ـ مصطفی درایتی در *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، از رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* عشقی شطاری نام برده است (درایتی، ۱۳۹۱: ۹۰۸).

ـ مصطفی درایتی در *فهرست‌وارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* عشقی شطاری را در شمار نسخ خطی موجود در ایران نام برده است (همو، ۱۳۹۰: ۱۴۳۲).

ـ در تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات نیز به‌صورت اجمالی دربارهٔ عشقی شطاری سخن گفته شده است.

۳. عشقی و سلسلهٔ شطاری

عشقی شطاری، از عارفان و مرتاضان طریقهٔ شطاریه و از نوادگان شیخ عبدالله شطاری است. سلسلهٔ شطاریه (منشعب از طیفوریه) منسوب به عبدالله شطاری است. نسب وی با چند واسطه به شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی می‌رسد. «شیخ عبدالله شطاری که مرید شیخ محمد طیفوریه و از عارفان سلسلهٔ طیفوریه بود، در سدهٔ نهم قمری به فرمان شیخِ خود، از ایران به هند سفر کرد و در روستای ماندوـ از توابع مالوهـ سکنی گزید و طریقت شطاریه را در آنجا بنیان نهاد» (غوثی شطاری، ۲۰۰۱: ۴۷). «عبدالله شطاری از محمد عارف خرقه داشت و او از محمد عشقی و او از خداقلی ماوراءالنهری و او از ابوالحسن عشقی خرقانی و او از ابوالمظفر ترک طوسی و او از بایزید عشقی و او از محمد مغربی و او از بایزید بسطامی» (همان: ۱۴۷). این سلسله، تنها سلسله‌ای است که نام خود را از بایزید بسطامی گرفته است. بر همین اساس محمد غوثی، از صوفیان شطاری، در *گلزار ابرار* معتقد است که این سلسله را در ایران و ماوراءالنهر، «عشقیه» و در آسیای صغیر، «بسطامیه» و در شبه‌قاره، «شطاریه» می‌خوانند.

برجسته‌ترین صوفی شطاریه، سید محمد غوث گوالیاری (متوفی ۹۷۰) بود که شطاریه را

در گجرات گسترش داد و توجه ظهیرالدین بابر و همایون و اکبرشاه را جلب کرد و سبب گرایش جمع زیادی از سالکان به این سلسله شد. «با توجه به وجوه مشترکی که شطاریه و هندوان در برگزاری مراسم و ریاضت‌های رایج داشتند، به‌احتمال زیاد، این سلسله بیش از سلسله‌های دیگر از آیین هندو تأثیر پذیرفته است. تصوف اسلامی نیز بر آیین‌های شبه‌قارهٔ هند تأثیر گذاشته است. صوفیه یکی از عوامل مهم تبلیغ اسلام در هند بودند» (زرین‌کوب، ۱۳۹۲: ۳۴۴). فعالیت‌های مشایخ چشتیه، نقشبندیه و شطاریه در تبلیغ اسلام، میان هندوان بسیار زیاد بود. مواعظ سادهٔ مشایخ، به‌خصوص دربارهٔ محبت به خداوند و دوست داشتن همسایه، سبب جذب هندوان، خصوصاً جذب افرادی از طبقهٔ پایین و حتی افراد بی‌طبقهٔ هند (نجس‌ها) شد (همان: ۱۶۴). شطاریه تا قرن سیزدهم در هند به قوّت خود باقی بودند. «بسیاری از صوفیان این فرقه، به سنت معمول زمان، پیوسته از شهر و دیاری به شهر و دیاری دیگر در سفر بودند و سنت صوفیانه را رواج می‌دادند. دهلی، لاهور، مولتان، با مراکز تصوف ایران و آسیای میانه در ارتباط بودند. اما در قرن سیزدهم، شطاریه هم‌پای برخی سلسله‌های صوفیانه مانند سمانیه، قادریه و نقش‌بندیه سازمان‌ها و تشکیلاتی برای شورش علیه استعمارگران تدارک می‌دیدند. ازاین‌رو در دوران استعمار هند، این سلسله‌ها مورد تهدید و ارعاب قرار گرفتند. به‌تدریج با رشد جریانات ملی‌گرایانه در آغاز قرن چهاردهم، شورش‌های ضد استعماری صوفیه رو به افول نهاد و سلسله‌های صوفیانه مورد حملهٔ جریانات اصلاح‌طلب اسلامی قرار گرفتند» (نوئر، به نقل از کنیش، ۱۳۷۰: ۲۸۸). این سلسله هنوز در سوماترا و جاوه پیروانی دارد.

٤. جهان‌بینی عرفانی عشقی شطاری

عشقی شطاری از عارفان سدهٔ یازدهم هجری است که عمر خود را در سیروسلوک عارفانه و طبع آثار ارزشمند عرفانی سپری کرد. وی از جرگهٔ عارفانی است که عرفان وی بر پایهٔ

شریعت استوار بود و خروج از جادهٔ شریعت را سبب گمراهی و نرسیدن به مقصد حقیقی می‌دانست. ازاین‌رو آبشخور تفکرات وی کلام وحی بود. بنابراین استناد به آیات قرآن در آثار او بسیار چشمگیر است. وی فقط سخنانی را بر زبان جاری می‌کرد که از کلام حق و سیرهٔ معصومین نشئت گرفته بود. عشقی در جهان‌بینی عرفانی خود به‌شدت تحت‌تأثیر محیی‌الدین عربی بود و به تأسی از این عارف بزرگ، انسان را در میان مخلوقات، موجودی فرد و یگانه با قابلیت‌های متعدد می‌دانست که هدف و غایت آفرینش بوده و نور حق در وجود وی متجلی شده است و از طرف حق‌تعالی توفیق یافته است که اسماء الهی را بیاموزد و محل تجلی اسماء حق‌تعالی گردد و بتواند بر کل امور هستی سیطره یابد و واسطهٔ رساندن فیض الهی به موجودات شود. وی معتقد است که چنین شخصی تمام دنیا را تحت حفظ و مراقبت خود دارد و در هر بازهٔ زمانی در هیبتی خاص ظهور کرده و اختیاراتی شبیه به آنچه را متعلق به حضرت حق است، داراست. بنابراین بهترین هادی برای هدایت بشر بوده و تمسک به وی برای انسان‌ها سعادت دنیا و عقبی را در پی دارد.

بررسی آرا و عقاید شیخ عربی و عشقی شطاری در رسالهٔ *عین المعانی* بیانگر این است که میان آرای این دو عارف بزرگ، وفاق کامل هویداست و عشقی در تبیین مباحث عرفانی، به آرا و اندیشه‌های ابن‌عربی استناد کرده است. برای تبیین اثرپذیری عشقی شطاری از ابن‌عربی به پاره‌ای از وجوه مشترک عرفان این دو عارف بزرگ در ادامه اشاره شده است:

٤ـ۱. کون جامع

در جهان هستی هر موجود و هر مرتبه‌ای از مراتب، مظهر اسمی از اسمای الهی است و فقط انسان کامل مظهر جمیع اسما و اوصاف الهی است. به‌عقیدهٔ ابن‌عربی، انسان کامل زبده و خلاصهٔ انسان‌هاست و دل او آیینهٔ جهان‌نماست که تمامی اسما و صفات الهی در وجود او به ظهور می‌رسد. به‌بیان دیگر، انسان کامل مظهر اسم اعظم الله است و همان طور که اسم اعظم جامع جمیع اسمای الهی است، تعین او یعنی انسان کامل نیز قابلیت مظهریت جمیع

اسما را دارد و به‌لحاظ همین جامعیت، هم سبب آفرینش عالم و هم برابر با همهٔ آن است: «والعالَمُ الاصغَرُ یعنی الانسانُ روحُ العالَمِ و عِلَّتُهُ و سَبَبُهُ وَ اَفلاکُهُ وَ مَقاماتُهُ و حَرَکاتُهُ وَ تَفصیلِ طَبَقاتِهِ» (ابن‌عربی، بی‌تا، ج۱: ۱۱۸)

عشقی شطاری که از پیروان مکتب فکری ابن‌عربی است، انسان کامل را جامع مراتب اسمای الهی و مدارک اسمای کونی می‌داند و «مقصود از ایجاد عالم و آدم و مطلوب از انزال کتب و ارسال رسل را همین معرفت جامعیت انسان برمی‌شمارد» (۲۵۲)

٤ـ۲. انسان کامل خلیفهٔ الهی و واسطهٔ فیض

در عرفان اسلامی، هدف از خلقت همان خلیفهٔ الله شدن است. به بیان دیگر، مقصود از آفرینش تمام هستی، انسان کامل است که همان خلیفه و جانشین حق‌تعالی است.

ابن‌عربی انسان کامل را نایب حق در زمین و معلم الملک در آسمان‌ها می‌خواند و او را کامل‌ترین صورتی می‌داند که آفریده شده و «مرتبهٔ او از حد امکان برتر و از مقام خلق والاتر است. بنابراین به‌خاطر مرتبهٔ وی فیض و مدد حق که سبب بقای عالم است به عالم می‌رسد» (ابن‌عربی، ۱۴۱۸: ۴۵۸)

عشقی شطاری نیز انسان کامل را خلیفهٔ حق می‌داند وی در رسالهٔ *عین المعانی* با استناد به آیهٔ «إنَّ اللهَ خَلَقَ آدَمَ عَلی صورَتِه» اذعان می‌دارد که حق‌تعالی انسان را مظهر همهٔ اسما و صفات الهی قرار دارد. در نتیجه انسان کامل قابلیت خلیفهٔ اللهی و نیابت از حق را در این دنیا کسب نمود و هر آن به صور اشیا ظاهر شده و به‌واسطهٔ اسم العزیز، تمامی موجودات را از علویات و سفلیات تحت سیطره آورده و چنانچه حق محیط و غالب است، او نیز در تمام مدارج وجوبی و مدارک کونی خود را دیده و یافته است (۶۵) و به‌واسطهٔ قدرتی که حق‌تعالی در وجود او به ودیعه نهاده، متولی جمیع خلایق است و به قوّت وجود عنصری خویش ثبوت جمیع موجودات کرده و به قوّت روحانیهٔ خویش طی جمیع مراتب و مدارج تعینات می‌کند و تصرف ملک و ملکوت در دست اوست (۲۰۳).

٤ـ۳. حقیقت محمدیه هدف خلقت عالم

عالم مظهر تجلی اسما و صفات الهی است و هر موجودی مظهر اسمی از اسمای حضرت ربوبی است. خاتم پیامبران مظهر اسم الله است، بنابراین وجود مقدس ایشان جامع همهٔ اسما و صفات الهی است. ازاین‌رو هر کمالی که اسما راست تحت کمال اوست.

شیخ عربی معتقد است که انسان کامل، همان حقیقت محمدی است و حقیقت محمدی را ارتباطی است با عالم و ارتباطی است با انسان. «از حیث ارتباطش با عالم، مبدأ خلق عالم است که خالق عالم پیش از هر چیز او را آفرید و هر چیز را نیز از او آفرید. از حیث ارتباطش با انسان، صورت انسان کامل است که در نفس خود جامع جمیع حقایق وجود و خلاصهٔ آدم حقیقی و حقیقت انسانیت است» (جهانگیری، ۱۳۵۹: ۳۲۹). ابن‌عربی حقیقت محمدیه را شخص رسول الله نمی‌داند بلکه موجودی ماورای طبیعی می‌داند که برابر با عقل اوّل است و در همهٔ انسان‌های کامل ساری است و هر بار یکی از انسان‌های کامل بارور این حقیقت می‌شود (ابن‌عربی، ۱۴۱۸، ج۱: ۹۴) «وی تجلی کامل حقیقت محمدیه در وجود خاتم الانبیاست که حکم او به تمام معنی، سیادت بر کل عالم دارد و بر همه چیز و همه کس تا روز قیامت برتری دارد» (همان، ج۱۳: ۲۶۶).

عشقی شطاری به پیروی از ابن‌عربی، حقیقت محمدیه را هدف آفرینش جهان دانسته و بیان کرده که حقیقت محمدیه همان اوّل مخلوق و اوّل تعین الهی است و حقیقتی است سعی و منبسط که دارای همهٔ مراتب نبوت و رسالت و ولایت است و در ادوار مختلف، در صورت انبیا ظاهر شده است و در حضرت محمد(ص) که سرور کائنات است، به‌صورت اخص تبلور یافته است. با استناد به حدیث «لَولاکَ لَما خَلَقتُ الأَفلاک» وجود مقدس حضرت محمد(ص) که مظهر اتم انسان کامل است، هدف اصلی آفرینش موجودات دانسته است (۱۳۹).

بنا بر عقیدهٔ ابن‌عربی و عشقی شطاری، حقیقت محمدیه علت غایی آفرینش موجودات

عالم بوده و واسطهٔ میان حق و خلق بوده و این حقیقت در انسان کامل ساری است و در وجود مبارک حضرت محمد(ص) نمود برجسته‌تری یافته است.

۵. معرفی نسخه‌های خطی رسالهٔ عین المعانی

در پیگیری‌های انجام‌شده از فهرست‌های نسخ خطی، چهار دست‌نوشته از رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* یافت شده است:

۱. نسخهٔ خطی رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* که به شمارهٔ ۳۵۲۲، در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود. این نسخه توسط کاتبی ناشناس در قرن یازدهم هجری در ۱۹۶ برگ (۳۹۲ صفحه) به خط نسخ کتابت شده است. با توجه به قدمت نسخه و اینکه کاتب اثر، نسخهٔ حاضر را با نسخهٔ دیگری مطابقت داده و موارد اصلاحی را در متن و حاشیهٔ نسخه متذکر شده است، این دست‌نوشته در قیاس با دیگر دست‌نوشته‌های اثر از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به‌عنوان نسخهٔ اساس در پژوهش حاضر انتخاب شده است.

نسخه با این جمله آغاز می‌شود: «بسم الله... اَلحَمدُ للهِ ... انبعاث تعیین تعین حب مطلقهٔ غیرمتعینه مبرا از شایبهٔ ثنویه، یعنی منزّه از تعدّد عاشق و معشوق به کثرت حقیقی پوشیده و متواری بلکه مطلق است.» و با این جمله به پایان می‌رسد: «خود را به مثال غیر دیدن عجب است، این بلعجبی کار خدایی باشد.»

۲. نسخهٔ دوم، نسخه‌ای است به شمارهٔ ۷۰۷۲ که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و توسط کاتبی ناشناس پیش از سال ۱۲۴۰ قمری به خط نسخ در ۳۲۴ برگ (۶۴۸ صفحه)، ۱۴سطری کتابت شده و حاج شیخ محمود حلبی آن را به کتابخانهٔ آستان قدس رضوی وقف کرده است. نسخهٔ مذکور از نسخه‌های نسبتاً کامل این رساله است.

۳. نسخهٔ خطی سوم، نسخه‌ای است به شمارهٔ ۴۰۵۷/۱۱۵ که در کتابخانهٔ ملی ملک

نگهداری می‌شود. این نسخه کاتبی به نام محمد زمان بن کلبعلی، در تاریخ ۱۲۶۱ قمری، به خط شکسته نستعلیق کتابت کرده است. از این نسخه فقط ۵ صفحه از صفحات میانی نسخه باقی مانده و مابقی صفحات نسخه مفقود شده است.

۴. نسخهٔ خطی چهارم، نسخه‌ای است به شمارهٔ ۳۲۷۶- ۱۷/۵۶ که در کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی قم نگهداری می‌شود و اشتباهاً به نام *روضهٔ الحسنی فی شرح اسماء الله الحسنی* نام‌گذاری شده است. اما بررسی این دست‌نوشته حاکی از آن است که نسخهٔ مذکور در حقیقت رونوشتی دیگر از رسالهٔ *عین المعانی فی شرح اسماء الربانی* است که به غلط به نام *روضهٔ الحسنی* در فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی قم از آن یاد شده است.

۵ـ۱. سطح فکری

همچون غالب متون عرفانی، این رساله نیز با مناجات و تحمید آغاز می‌شود و نویسنده پس از ستایش خداوند، به نعت پیامبر اکرم(ص) می‌پردازد: «درود که معنی او صلوات و ورود رحمت است بر سرور کاینات که خلاصهٔ همهٔ مظاهر الهیات اوست و سبب محقق و ظهور جمیع ممکنات از کتم عدم به صحرای وجود او بود» (نسخهٔ خطی: ۳۱)

نویسنده در سبب تألیف کتاب بیان می‌دارد که در عالم خواب و رؤیا، جمعی از مشایخ از وی درخواست می‌کنند که به تقریرِ کتابی با عنوان *عین المعانی* بپردازد. پس از مدتی یکی از دوستان وی به تحریر کتاب *روضهٔ الحسنای* عشقی می‌پردازد و عشقی بر آن می‌شود تا در کتابت این رساله با او مشارکت نماید. بعد از نگاشتن سطوری چند، معانی جدیدی در خاطر وی می‌گذرد که این معانی جدید از معانی نخست برتر بوده و در نتیجه عشقی بر آن می‌شود که به نگارش کتاب *عین المعانی* که در حقیقت تحریر دیگری از کتاب *روضهٔ الحسنی* است، بپردازد. وی کتاب *عین المعانی* را در شرح ۹۹ نام از اسمای الهی تألیف می‌کند و آداب ذکر این اسماء و تأثیرات و خواص هریک از این نام‌های مقدس را برمی‌شمارد.

«عیسی بن قاسم بن یوسف بن رکن‌الدین بن معروف بن شهاب‌الدین المعروفی الشهابی الجندی السندی الهندی البراری المعروف بالعشقی الشطاری القادری که ملقب به عین‌العرفا و مکنی به ابوالبرکات است، می‌گوید که در سنهٔ سبع و تسعین و تسع‌مائهٔ در بلدهٔ معمور وَ لَها مِن لُمَعاتِ اَهلِ الکَرَمِ وَ رَشَحاتِ اَهلِ الفَضلِ نُورُ کَأَنَّها بَلَدَهٔ طَیِبَهٔ وَ لِاهلِها رَبٌّ غَفُورُ یعنی انّما بِنُورِ اَبدَها اللهُ تَعالی بِالسرُورِ اِلی یَومِ النُشورِ در وقت قیلوله عند اغماض العین نمودند که جمعی از مشایخ رحمهم الله تعالی می‌فرمایند که مطالعهٔ *عین المعانی* و مقاولهٔ او می‌باید کرد. چون از سر بالین این خواب بشارت‌نقاب، مصراعِ "زهی مراتب خوابی که به ز بیداری است" برداشتم، دست تردد در آستین احتمال کشیده و سر تأمل بر زانوی تخمین نهاده، گفتم که مراد از *عین المعانی* دعایی و یا کتابی یا رسالهٔ *عین العلم* که در علم سلوک مختصری است مشتمل بر فواید جیده یا از این لفظ به طریق اشارت و به اسلوب کفایت امری غیر مذکور را اراده کرده باشند که نقد ادراک آن در مخزن عقل و صرّهٔ فهم نگنجد. هم در این بود که در همان روز یکی از محبت شعار بالاخلاص که فتوحات الهی و فیوضات نامتناهی شامل حال او باد. رسالهٔ *روضهٔ الحسنی فی شرح اسماء الله الحسنی* که مختصری از مؤلفات این ضعیف است که در سنهٔ حافظ سمت تحریر یافته بود آورد و آغاز به نبشتن آن کرد. این ضعیف به ارادهٔ آنکه در کتابت این رساله مشارکت نموده، اعانت نمایید و اوراق از دست او گرفته سطری چند درنوشت. بعضی معنی جدید در حین کتابت در خاطر وارد گشت و دل مقرّب آن شد که این معانی ثانی از معانی اولی انسب و اولی می‌نماید و می‌شاید که این نوع از بی‌نوع عین حکمت حکیم است که زمام انقیاد قلم اعلی و قلم اسفل به دست مشیتش و انگشت ارادت او تسلیم داعیهٔ دعوت وقت به آن خواند که شرحی دیگر هم به اسلوب غریب به نظم و نثر می‌باید نوشت. پس به‌عبارتی‌که مقدور

استطاعت او بود متصدی آن گشت» (نسخهٔ خطی: ۴)[۴]

عشقی از عارفان سنی‌مذهب بوده که در رسالهٔ خود از خاندان عصمت و طهارت به نیکی و احترام یاد می‌کند و در سرتاسر رسالهٔ *عین المعانی* به هیچ شخصیت و فرقه‌ای اهانت نکرده و حتی آنجایی که با عقاید دیگران مخالف است، جانب اعتدال را رعایت کرده و در کمال ادب، نظریات دیگران را رد کرده است.

نویسنده در شرح اسمای الهی و آداب طریقت، به آیات و احادیث و سخنان عرفای بزرگ استشهاد می‌کند و به مخاطب خود گوشزد می‌کند که کلام وی برگرفته از منابع موثق و مورد اعتماد است و آنچه بیان داشته، سخنان بزرگان مذهب است و سلیقه و نظر شخصی وی در آن دخیل نبوده است.

عرفان عشقی بر پایهٔ شریعت استوار بوده و تمرد از شریعت را خلاف ادب و سبب گمراهی می‌دانسته است: «زاهد را لازم است که هرکه بر شریعت محمدی مستقیم نباشد با او به‌واسطهٔ امر به معروف و نهی از منکر سخن نگوید و با او آشتی نکند؛ تا آنکه بر شریعت راست بیاید» (۲۳۴)

شرط سوم در طی طریق، ادب است و آن حفظ حد شریعت و طریقت و حقیقت است (۲۵۴).

بررسی رسالهٔ *عین المعانی* نشان می‌دهد که عرفان و جهان‌بینی عشقی شطاری بر پایهٔ جهان‌بینی ابن‌عربی است و رد پای عرفان ابن‌عربی به وضوح در رسالهٔ *عین المعانی* مشهود است.

عشقی با عارفان بزرگ و سخنان و اندیشه‌های آنان آشنایی کامل داشته است و در تبیین مفاهیم عرفانی به اقوال عارفانی مانند محیی‌الدین عربی، بایزید بسطامی، جنید، حلاج،

---

[۴]. زین پس در ارجاع‌ها برای اختصار به ذکر صفحه نسخه بسنده می‌شود.

سهروردی، شیخ صدرالدین قونوی، ابوالحسن خرقانی، نجم‌الدین کبری و... استناد کرده و آرای این عارفان را برشمرده است.

«صوفیان شطاریه برای حروف ارزش زیادی قائل بودند و به آن توجه داشتند» (سیدین، ۱۳۸۷: ۲۱۲) عشقی نیز به پیروی از آن‌ها در رسالهٔ *عین المعانی* به حروف توجه داشته و در شرح هریک از اسمای حق، حروف آن اسم را در قالب یک معما بررسی کرده و رمزگشایی می‌کند.

عشقی شطاری با علوم زمان خود آشنایی داشته است. اشاره به اصطلاحات عرفانی، ادبی، داستان‌های مذهبی و اصطلاحات علم منطق و جغرافی، اشاره به آیات و احادیث و... حاکی از آگاهی نویسنده در زمینهٔ علوم مختلف زمان خود است.

اصطلاحات علم منطق:

استفادهٔ معنی موضوع له در این محل خالی از تأمل نیست (۳۶).

هرجا که وجودست شهود لازم نیست و بینهما عموم و خصوص مطلق است (۵۲).

حقیقت وجود اگرچه بر جمیع موجودات ذهنی و خارجی مقول و محمول می‌شود، اما او را مراتب متفاوت است (۱۸۹).

اصطلاحات علم جغرافی:

طریق سوم الله را به مد هو کشش کند در هشت رکن؛ یا در دوازده رکن یا به شدت یا به نرمی علی اختلاف الربیع و الخریف (۵۵).

اصطلاحات دینی:

چون صاحب نصاب شود علم زکات و حج بر او لازم گردد (۸۹).

زاهد را لازم است که آنچه وظایف تقدیم از صلاۀ و صوم و متعلقات ایشان را یعنی علم طهارت و علم ماه صوم هریک را به ترتیب شرعیه داند (۲۰۹).

وی همچنین با سخن‌سرایان بزرگ زبان فارسی و عربی آشنا بوده و در ضمن رسالهٔ

خود، به سخنان آنان نظر داشته است:

اشعار حافظ:

میل دل سوی وصال و قصد او سوی فـراق　　ترک کام خود گرفتم تا برآید کـام دوسـت

(۱۷۸)

عشقی همچنین با فنون شاعری آشنا بوده است و در بخش‌هـایی از رسـالهٔ خـود بـرای تبیین بهتر کلام، اشعاری از خود را ذکر می‌کند:

همــراه تــو را بیــنم و همــزاد تــو را　　هم سهو تـو را دانـم و هـم یـاد تـو را

هم آتش دلسـوز تـو را دیـدم و خـاک　　هم آب تـو را گـویم و هـم بـاد تـو را

(٥٤)

نویسنده همچنین به مضامین اخلاقی و تعلیمی توجه داشـته و در جـای‌جـای اثـر خـود مخاطب را به پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی فرامی‌خواند: «زاهد را لازم است که میراث هیچ کس طمع ندارد، بلکه ایثار بر قران خود از جمله لوازم راه شمارد» (۲۷۹).

۵ـ۲. ارزش‌های ادبی

رسالهٔ *عین المعانی* از جمله آثار عرفانی دورهٔ صفویه است که با نثری متکلف و مصـنوع نوشته شده است. نویسنده با استفاده از سجع، به کار بردن اشعار و شواهد عربـی‌ـ فارسـی، آیات قرآنی، احادیث، اصطلاحات علمی، لغات مهجور، استعارات و تشبیهات مختلف، کلام خود را به شیوه‌ای مصنوع با پیرایهٔ ظرایف ادبی و صنایع لفظی آراسته است. بنابراین اتخـاذ چنین شیوه‌ای در نگارش ازآن‌رو که نویسنده زحمت اظهار مهارت و هنرنمایی را بـه خـود می‌دهد، قابل توجه است.

۵ـ۳. سطح زبانی

به‌طور کلی، هر تناسـب و آهنگـی را کـه ناشـی از شـیوهٔ ترکیـب واژه‌هـا، همـاهنگی و همسانی صامت‌ها و جز آن باشد، می‌تـوان موسـیقی شـعر و نثـر بـه‌حسـاب آورد. عناصـر

موسیقایی شامل هر عاملی است که به‌لحاظ موسیقی خاص خود، موجب تمایز زبان معمولی گفتار با زبان شاعر یا نویسنده شود. موسیقی کلام عشقی شطاری چنان محسوس است که هر فارسی‌زبان با اندک آشنایی به ظرفیت‌های آهنگین فارسی آن را درک می‌کند. عوامل موسیقایی در رسالهٔ *عین المعانی* فراوان است.

یکی از جنبه‌های موسیقایی در رسالهٔ *عین المعانی* موسیقی واژه‌هاست. هر شاعر و نویسنده‌ای برای بیان اندیشه‌ها، احساسات، عواطف و... از ابزار واژه‌ها بهره می‌گیرد و به مدد نیروی واژه‌ها حالات و احساساتش را به دیگران منتقل می‌کند. بنابراین برای اینکه بتواند در خواننده تأثیر عمیقی ایجاد کند، ناگزیر باید از تمام امکانات و نیروی واژه‌ها استفاده می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۱: ۴۳).

در رسالهٔ *عین المعانی*، نویسنده با انتخاب واژه‌هایی با واج‌های مشترک، تکرار واج‌ها، انتخاب واژه‌های هم‌وزن و... کلام خود را آهنگین و دلنواز کرده است.

۵ـ۳ـ۱. نغمهٔ حروف

عشقی شطاری در رسالهٔ خود، گاه اصوات را به گونه‌ای در امتداد هم تکرار می‌کند که موسیقی زیبایی را بوجود می‌آورد؛ مانند: «هرجا که وجد و تواجد و وجود و موجود بیند، خود را شناسد» (۱۷۷).

۵ـ۳ـ۲. سجع‌پردازی

دلبستگی وافر عشقی شطاری به موسیقی، او را به ورطهٔ سجع‌پردازی می‌کشاند. در این نوع سجع‌پردازی‌ها تصنع و تظاهر نثرهای فنی و مسجع دیده می‌شود و نویسنده در این میدان، خود را دچار تکلف و تعقید می‌نماید: «همو شاهد و همو مشهود و همو آکل و همو مأکول و همو عاشق و همو معشوق و همو شارب و همو مشروب و همو لامس و همو ملموس و همو فاعل و همو قابل است» (۵۳).

۵ـ۳ـ۳. هماهنگی واژه‌ها با به‌کارگیری تضاد

موسیقی نثر فقط محدود به قلمرو صوت‌ها، آواها، تکیه و درنگ‌واژه‌ها نیست، بلکه

هرگونه تناظر و تقابلی را چه در حوزهٔ صوت و چه در حوزهٔ واژه در بر می‌گیرد. با این نگرش، موسیقی در نتیجهٔ پیوند عناصر مختلف کلام اعم از انواع تضادها، طباق‌ها، تقابل و تناسب به وجود می‌آید. عشقی شطاری توانسته با کاربرد هنری واژه‌های متضاد، موسیقی درونی نثر خود را استحکام بخشد؛ مانند: «ظهور و بطون و آخریت و اولیت از نسب و اعتبارات اوست» (۳۸).

۵ـ٤. سطح لغوی

از منظر واژگانی، سبک نگارش عشقی شطاری، سبکی تأمل‌برانگیز است و بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از توفیق وی در رسالهٔ *عین المعانی* به‌واسطهٔ زبان قوی و غنی و پرامکان اوست. بررسی و تحلیل تک‌تک جملات این اثر، بیانگر آن است که او نویسنده‌ای چیره‌دست و توانا بوده که بر دایرهٔ لغات تسلط ویژه‌ای داشته است:

۵ـ٤ـ۱. کاربرد لغت در معنی خاص

نویسنده در رسالهٔ *عین المعانی* پاره‌ای از لغات و اصطلاحات را در معنایی خاص به کار برده که نمونه‌هایی از آن‌ها در ذیل آورده شده است:

مهم: کارها و امور دشوار

عابد اگر این اسم را بر هر مهمی صدبار بگوید، آن مهم او به کفایت رسد (۹۹).

خالی نیست: خارج نیست

ناقص هم از دو حال خالی نیست (۵۸).

کشیده شود: وجود داشته باشد (۱۰۷)

محقق از مرتبهٔ تعیّن اوّل تا مرکز اسفل، هر فعل و انفعال که در باب عدل کشیده شود را مواظبت نماید (۱۲۴).

۵ـ٤ـ۲. کهن‌کاربردها

رسالهٔ *عین المعانی* سرشار از واژه‌ها و ترکیباتی است که روزگاری روایی داشته، اما

به‌مرور زمان از کاربرد آن‌ها کاسته شده و رو به فراموشی نهاده است:

حذافیر: تمامی

«اشیا را به حذافیرها مظاهر خود داند» (۶۶).

آب پست: نطفه

«هر روز وقت افطار بر آب پست یک بار بخواند و بخورد حق‌تعالی فرزند نرینـه روزی کند» (۹۶).

عذرنیوشی: عذر شنیدن

«زاهد را لازم است که عیب‌پوشی و عذرنیوشی پیشهٔ دل و جان او بوده باشد» (۹۷).

عوایق: سختی

«در حالت سلوک و عوایق از او لامع بر اثر داشت» (۱۰۸).

روزینه: بهره و حصهٔ روزانه

«زاهد را لازم است که روزینهٔ خویش از پروردگار و روزی‌دهندهٔ خود بستاند» (۲۴۲).

قاذورات: پلیدی‌ها

«ملابسهٔ وی به قاذورات لازم نیاید» (۲۴۳).

خمود: فرونشستن

«چهاردهم خشوع است و آن خمود نفس است» (۲۵۲).

۵ـ۴ـ۳. کاربرد لغات و ترکیبات عربی

عشقی شطاری در نگارش رسالهٔ خود، به شیوهٔ رایج زمانه از ترکیبات و لغات عربی بهره گرفته و با توجه به اینکه موضوع اثر وی عرفانی و در شرح اسماء الهـی اسـت، نـاگزیر بـه استفادهٔ فراوان از عبارات و ترکیبات عربی بوده اسـت. در واقـع کمتـر جملـه‌ای را در ایـن رساله می‌توان یافت که لغات و ترکیبات عربی در آن به کار نرفته باشد.

انبعـاث (۴۶، ۹۳، ۱۰۰، ۱۶۶، ۲۴۲، ۲۸۰ و ۲۸۲)، علـی سـبیل النـدره (۷۱، ۹۹ و ۲۷۶)،

تعب (۱۰۲)، مع الشهود (۱۰۹)، ذنوب (۱۰۹، ۱۳۲، ۱۳۳ و ۱۳۴)، ارزاق (۱۰۲ و ۱۵۴)، ابدان (۱۰۲، ۱۰۹ و ۲۶۳)، اطعمه (۱۰۲، ۱۴۲ و ۲۴۱) و... .

۵ـ٤ـ۳ـ۱. کاربرد مصادر صناعی

معشوقیت (۷۴ و ۲۱۴)، کمالیت (۸۲ و ۱۱۸)، علمیت (۷۷)، فرضیت (۱۱۹)، عدلیت (۱۲۳)، عدمیت (۱۳۱)، جمالیت (۸۹ و ۱۸۱)، مرشدیت (۲۸۳ و ۲۸۴).

۵ـ٤ـ۳ـ۲. ترکیب‌سازی

یکی از شگردهای بیانی و زبانی، ساخت ترکیبات زیبا و تازه‌ای است که بیشتر پیامد نیازهای بلاغی و بیانی است. زبان فارسی در میان زبان‌های جهان، به‌لحاظ امکان ساختن ترکیب در ردیف نیرومندترین زبان‌هاست و مسئلهٔ ساختن ترکیبات خاص، یکی از مسائلی است که هر شاعر و نویسنده‌ای در هر دوره‌ای، در راه آن (گرچه اندک) کوشش کرده است. البته شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان در قدرت ترکیب‌سازی یکسان نیستند. همچنین ادوار شعر فارسی به‌لحاظ توجه گویندگان به ساختن ترکیب‌ها یکسان نیست (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۷۱: ۶۴). عشقی شطاری از نویسندگانی است که تلاش وافری برای ترکیب‌سازی و آفرینش ترکیبات بکر و نوآورانه با بهره‌گیری از زبان فارسی و عربی کرده است. پاره‌ای از ترکیبات به‌کاررفته در رسالهٔ وی که در دیگر آثار کمتر به کار رفته است، عبارت‌اند از: برق‌آفرین (۱۴۲)، گمنام ظلمات جدایی (۱۰۹)، مرغول سماعی (۱۵۱)، فتح اندزوز (۲۴۲) و... .

۵ـ۵. سطح بلاغی

با بررسی رسالهٔ *عین المعانی* می‌توان به این نتیجه رسید که عشقی شطاری دانش ادبی والایی داشته و به انواع فنون و صناعات ادبی آشنایی بوده و با بهره‌گیری از این فنون در رسالهٔ خود کوشیده است تا نثر خود را هنری‌تر جلوه دهد. انواع صور خیال از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، تضاد، تلمیح، تضمین و... در رسالهٔ *عین المعانی* دیده می‌شود. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

۵ـ۵ـ۱. تشبیهات

از پربسامدترین صور خیال که عشقی در رسالهٔ *عین المعانی* به کار برده، انواع تشبیه است.

«عاشق همواره خود را پیش سلطنت تاب معشوقی ذره‌وار دراندازد» (۸۶).

اضافهٔ تشبیهی پربسامدترین نوع تشبیه به‌کار رفته در رسالهٔ *عین المعانی* است؛ مانند: صحرای توحید (۳۱)، ماهی فنا (۴۲)، غبار ظلالت (۶۳)، ردای تکبیر (۷۱)، ازار عظمت (۷۱)، بحر ظهور (۷۲)، نقاب لانهایه (۸۸).

۵ـ۵ـ۲. استعارهٔ مصرحه

«عاشق همیشه خود را ذره‌وار در تاب آفتاب حقیقی سرگشته و مستمر داند» (۱۱۷).

در میان انواع استعاره، وی از اضافهٔ استعاری به‌وفور بهره گرفته است: آستین احتمال (۳۱)، زانوی تخمین (۳۱)، زمام انقیاد قلم (۳۱)، (۲۲)، جامهٔ جان (۵۴)، دست نفس (۱۱۰)، دست دل (۱۳۸)، دامن علم (۱۳۸).

۵ـ۵ـ۳. مجاز

«عاشق را باید که همیشه رقّت قلب پیشهٔ جان او بوده باشد و به آب دیده وجود خود را بشوید» (۵۳).

۵ـ۵ـ٤. تلمیح

«این حالت در عالم شهادت از انبیا به حضرت ابراهیم خلیل علیه‌السلام لاحق بود که کوکب و قمر و آفتاب را به خدایی نسبت کرده و هذا ربی هذا اکبر می‌گفت» (۶۴).

۵ـ۵ـ۵. تضمین

درج و تضمین به آیات و احادیث و اشعار پیشینیان به کرّات در رسالهٔ *عین المعانی* دیده می‌شود:

«و از حسد و کینه خود را باز دارد که الحَسَدُ تأکُلُ الحَسنات‌َ کَما تَأکُل النارَ الحَطبِ» (۱۱۲).

۵ـ۵ـ٦. کنایه

دل گرفتن: کنایه از غمگین شدن (۴۷)، دست شستن: کنایه از صرف‌نظر کرن (۷۸)، فتراک به‌دست‌آوردن: کنایه از کسب اختیار.

٦. نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، هنوز بخش عظیمی از گنجینهٔ غنی نسخ خطی عرفانی ناشناخته مانده است.

۲. عشقی شطاری، از عرفا و مرتاضان فرقهٔ صوفیان عشقیه شطاریه (منشعب از سلسلهٔ طیفوریه) بوده که علاوه بر عرفان، در فنون نویسندگی نیز سرآمد بوده است.

۳. نویسنده در شرح اسمای الهی و آداب طریقت به آیات و احادیث و سخنان عرفای بزرگ استشهاد کرده و به مخاطب خود گوشزد نموده که کلام وی برگرفته از منابع موثق و مورد اعتماد است و آنچه بیان کرده، سخنان بزرگان مذهب است و سلیقه و نظر شخصی وی در آن دخیل نبوده است.

۴. عشقی شطاری از پیروان مکتب محیی‌الدین بن عربی است. میان آرای این دو اندیشمند، وفاق کامل هویداست؛ تا جایی که به‌وضوح مشهود است عشقی شطاری در تبیین مباحث عرفانی خویش به‌شدت متأثر از محیی‌الدین عربی بوده است.

۵. عشقی با علوم زمان خود آشنایی داشته است. اشاره به اصطلاحات عرفانی، ادبی، داستان‌های مذهبی و اصطلاحات علم منطق و فلسفه، اشاره به آیات و احادیث و... حاکی از آگاهی نویسنده در زمینهٔ علوم مختلف زمان خود است.

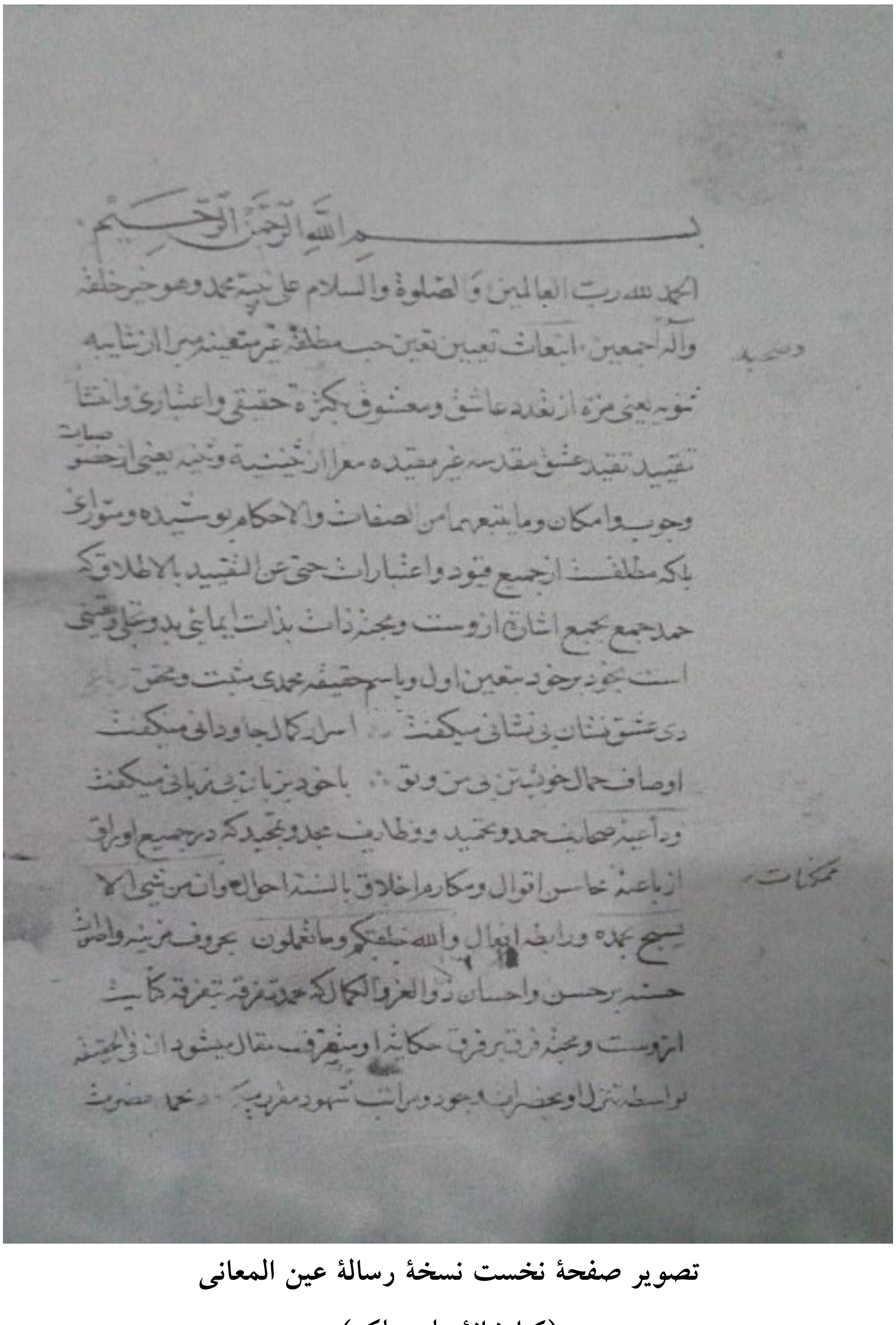
۶. با توجه به اینکه رسالهٔ *عین المعانی* اثری عرفانی است، نویسنده ناگزیر به بهره‌گیری

بیش از حد از لغات و ترکیبات عربی شده است و کاربرد فراوان لغات و اصطلاحات عربی، فهم بخش‌هایی از این رساله را برای خواننده دیریاب کرده است.

۷. در اغلب شروح اسماء الله، از جمله رسالهٔ *عـین المعـانی فـی شـرح اسـماء الربـانی*، شارحان نام‌های خداوند را به انواع تنزیهی، تشبیهی، ثبوتی، سلبی، کلـی، جزئـی، جمـالی و جلالی تقسیم کرده و سپس به شرح آن اسم پرداخته‌اند.

۸. با وجود اینکه شروح اسماء الله دارای اطلاعات ارزشـمند عرفـانی، ادبـی و... اسـت، هنوز تعداد زیادی از این شروح به‌صورت دست‌نوشته باقی مانده است.

۹. با بررسی رسالهٔ *عین المعانی* می‌توان به این نتیجه رسید که عشقی شـطاری از دانـش ادبی والایی برخوردار بوده است و به انواع فنون و صناعات ادبی آشنایی داشته اسـت و بـا بهره‌گیری از این فنون در رسالهٔ خود کوشیده است تا نثر خود را هنری‌تر جلوه دهد. انـواع صور خیال از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، تضاد، تلمیح، تضمین و... در رسالهٔ *عـین المعانی* دیده می‌شود.



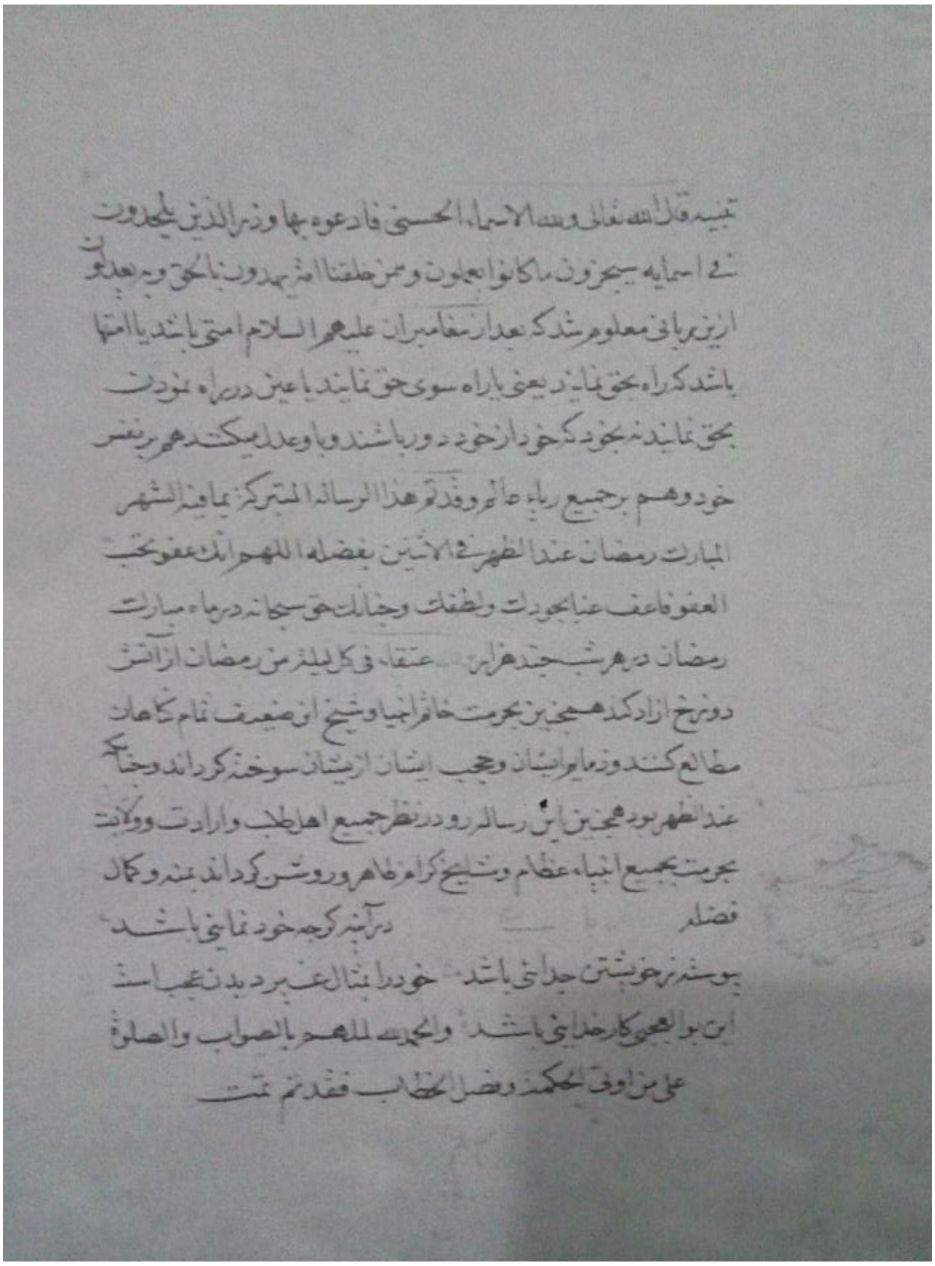
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی نبیه محمد و هو خیر خلقه

و آله اجمعین. انبعاث تعیین تعین حب مطلقه غیر متعینه

تصویر صفحهٔ نخست نسخهٔ رسالهٔ عین المعانی

(کتابخانهٔ ملی ملک)


تنبیه قال الله تعالی و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذروا الذین یلحدون
فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون و ممن خلقنا امة یهدون بالحق و به یعدلون
از این آیت ربانی معلوم شد که بعد از پیغامبران علیهم السلام امتی باشند یا امتها
باشند که راه بحق نمایند یعنی با راه سوی حق نمایند یا عین در راه بودن
بحق نمایند نه بخود که خود از خود دور باشند و باو عدل میکنند هم بر نفس
خود و هم بر جمیع رعایاء عالم و قد تم هذا الرسالة المتبرکة بما فیه الشهر
المبارک رمضان عند الظهر فی الاثنین بفضله اللهم انک عفو تحب
العفو فاعف عنا بجودک و لطفک و جمالک حق سبحانه در ماه مبارک
رمضان در هر شب چند هزار عتقاء فی کل لیلة من رمضان از آتش
دوزخ آزاد کند همچنین بحرمت خاتم انبیا و شیخ این ضعیف تمام گناهان
مطالعه کنند و دعاگو ایشان و محب ایشان از ایشان سوخته گرداند و ختم
عند الظهر بود همچنین این رساله رو در نظر جمیع اهل طلب و ارادت و ولایت
بحرمت جمیع انبیاء عظام و مشایخ کرام ظاهر و روشن گرداند بمنه و کمال
فضله
در آینه گرچه خودنمایی باشد
پیوسته ز خویشتن جدایی باشد خود را بمثال غیر دیدن عجب است
این بوالعجبی کار خدایی باشد والحمد لله الملهم بالصواب والصلوة
علی من اوتی الحکمة و فصل الخطاب فقد تم تمت

تصویر صفحهٔ آخر نسخهٔ رسالهٔ عین المعانی

(کتابخانهٔ ملی ملک)

منابع

۱. ابن‌عربی، محمد بن علی (۱۴۱۸). **فتوحات مکیه**، بیروت: دار احیار التراث العربی.

۲. جهانگیری، محسن (۱۳۵۹). **محیی‌الدین بن عربی**، تهران: دانشگاه تهران.

۳. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). **فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)**، جلد ۲۳، تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

۴. ــــــــــــــ (۱۳۸۹)، **فهرست‌وارهٔ دست‌نوشته‌های ایران (دنا)**، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۵. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲). **نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.

۶. سیدین، علی (۱۳۸۷). **پشمینه‌پوشان (فرهنگ سلسله‌های صوفیه)**، تهران: نشر نی.

۷. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۱). **موسیقی شعر**، تهران: نشر نی.

۸. غوثی‌شطاری، محمد (۲۰۰۱). **اذکار الابرار**، ترجمهٔ گلزار الابرار، چاپ لاهور.

۹. کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۹). «انسان و جهان به روایت دقایق شاه عیسی شطاری»، مجله **حکمت و معرفت**، شمارهٔ ۵۷.

۱۰. عشقی شطاری، **روضهٔ الحسنی**، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۳۲۷۶ـ۱۷/۵۶، قم: کتابخانهٔ آیت‌الله گلپایگانی.

۱۱. ــــــــــــــ، **عین المعانی فی شرح اسماء ربانی**، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۳۵۲۲، تهران: کتابخانهٔ ملی ملک.

۱۲. ــــــــــــــ ، **عین المعانی فی شرح اسماء ربانی**،نسخهٔ خطی شماره ۴۰۵۷/۱۱۵، تهران: کتابخانهٔ ملی ملک.

۱۳. ــــــــــــــ ، **عین المعانی فی شرح اسماء ربانی**،نسخهٔ خطی شماره ۷۰۷۲، تهران: کتابخانهٔ ملی ملک.

۱۴. منزوی، احمد (۱۳۴۹). **فهرست نسخه‌های خطی فارسی**، تهران: مؤسسه فرهنگی- منطقه‌ای.

۱۵. نوئر، دلیار (۱۳۷۰). **نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی**، ترجمهٔ ایرج رزاقی و محمدمهدی حیدرپور، مشهد: آستان قدس رضوی.